

سمنه صادقی گسترش تبلیغات آموزش زبان انگلیسی و راه‌اندازی آموزشگاه‌های زبان چندان پیش می‌رود که اغلب خانواده‌ها را برای فرستان کودکانشان به مهدکودک‌های دو یا سه زبانه به چشم و هم‌چشمی دچار کرده است. از طرفی به کارگیری لغات و اصطلاحات فرنگی آنچنان در زندگی ما ایرانیان جا باز کرده که عده‌ای از به کار نبردن شان احساس شرمندگی و حتی عقب‌ماندگی فرهنگی می‌کنند! به همین روی رواج روزافزون آموزشگاه‌های زبان در سطح کشور و به کارگیری لغات و اصطلاحات فرنگی در گفت‌وگوی اقشار مختلف جامعه سبب شده که زنگ خطر فراموشی زبان فارسی توسط نسل‌های آینده از سوی مقام معظم رهبری به صدا در آید. برای بی‌بردن به ریشه‌های تاریخی این نوع طرز فکر و شناخت عوامل خارجی که در تغییر زبان ایرانیان نقش داشته‌اند با آقای مصطفی قلیزاده علیار نویسنده تاریخ و روزنامه‌نگار به گفت‌وگو نشستیم.

■ **ابتدا بفرمایید به نظر جنابعالی استعمارگران برای سلطه و نفوذ در دیگر کشورها به چه طریق عمل می‌کرده‌اند؟**

ببینید هر حرکت استعماری که از اوایل قرن ۱۹ یا ۲۰ در کشورهایی چون هند و ایران و… از سوی استعمارگران صورت گرفته پیش از آنکه تسلط فیزیکی یا به قول امروزی‌ها سخت‌افزاری باشد تسلط نرم‌افزاری و فرهنگی بوده است. لذا برای تحقق این مسئله نخست به فرهنگ خودی و الفبای ملت‌ها حمله می‌شده است. به عنوان مثال استعمارگران چون امکان تغییر زبان را در ترکیه نداشته‌اند الفبای این کشور را تغییر می‌دهند. الفبای فارسی و عربی که به الفبای اسلامی معروف بود و مردم به راحتی می‌توانستند به وسیله آن با گذشته اسلامی خود قرآن و احادیث و… ارتباط برقرار کنند، با جایگزینی الفبای لاتین به تدریج این زبان ارتباطش با نسل جوان قطع شد. در آذربایجان هم همین کار را کردند. در نتیجه یک جوان آذربایجانی یا ترکیه‌ای الان اگر بخواهد ادبیات صد سال پیش کشورش را مطالعه کند باید مترجم بگیرد تا الفبا و اشعار و ادبیات ترکی سرزمینش را به الفبای امروزی برایش برگردان کند. این برنامه استعمارگران از ۲۰۰، ۳۰۰ سال پیش برای ترویج زبان و فرهنگ‌شان و دور کردن ما از فرهنگ خودی‌مان بوده است.

البته امروزه در کشور ما هم به ندرت افرادی را می‌توان یافت که خط نوشتاری صدسال قبل را بخوانند که این مسئله حکایت از وجود شکاف فرهنگی میان نسل‌ها می‌اندام.

بله. در واقع این جزئی از برنامه غرب بوده که خیلی نرم با بی‌هویت کردن مان بر ما حکومت کند. جنگ نرمی که آقا هم در موردش بارها صحبت کرده. همین است. در واقع غرب امروز هم در عین حال که با ما در سوریه و یمن و بحرین به جنگ سخت می‌پردازد در داخل نافوذ فرهنگی‌اش در جنگ نرم ادامه می‌دهد. جنگی که با ترویج‌شدن در حال نابودی‌ما از لحاظ فرهنگی و آموزشی است و هیچ بعید نیست اگر نتوانیم با آن مقابله کنیم ۲۰ سال بعد نتیجه‌اش بسیار بدتر باشد.

استدلال دولت‌های استعماری غرب برای آموزش خود در دیگر کشورها چه بود؟
استعمارگران برای تسلط یافتن بر دیگر کشورها اینگونه استدلال می‌کردند که علم و تکنیک و پیشرفت از آن ماست و بدون آموزش زبان ما نمی‌توانید بدان دست یابید. این طرز فکر چندان سبب تسلط استعمارگران بر زبان مردم هندوستان وبنگلادش شد که امروزه می‌بینیم افراد کپسود هم در این کشورها برخی کلمات انگلیسی را جزو زبان مادری‌شان می‌پندارند.

برنامه غرب برای تغییر زبان در دیگر کشورها چه بود؟

اهل دانش می‌دانند در یک برهه از تاریخ استعمارگران توسط عوامل شان…رضاً بدون ایران، کمال آنتاتورک در ترکیه و امان‌الله خان در افغانستان… قصد داشتند زبان را در دیگر کشورها تغییر دهند که البته این امر در کشور ما به برکت وجود علما و فضای حاکم محقق نشد.

به چه صورت قرار بود این تغییر زبان انجام شود؟

قرار بود ما در ایران با استفاده از الفبای انگلیسی، فارسی بنویسیم همانند آنچه امروزه در تاجیکستان رخ داده که فارسی می‌نوینند ولی با الفبای روسی، هر چند نتوانستند برنامه‌شان را در ایران اجرا کنند، برای همین یک مقدار برنامه‌شان را تغییر داده، سعی کردند به آموزش زبان انگلیسی بپردازند و آن را به عنوان زبان دوم ترویج دهند که متأسفانه در لایه‌های روشنفکری جامعه موفق به ترویج این زبان شدند. بعد از آن هم استعمارگران و مستشاران امریکایی از طریق تسلط بر بخش‌های سیاسی و اقتصادی و نظامی در کشورمان استقرار یافتند که با پیروزی انقلاب اسلامی همه آنها از کشور اخراج شدند.

در واقع توسعه و ترویج زبان پهناهی برای ورود در بخش‌های دیگر بود؟

بله همانطور که همه می‌دانند به این بهانه در بخش‌های مهم اقتصادی و صنعتی هم نفوذ کرده بودند. حتی در بخش دانش هم همانطور که اشاره شد استدلال‌شان این بود که اگر بخواهید با علم جهان پیش بروید باید از زبان فعلی خود عبور کنید…

گویا قدرت‌های استعماری برنامه‌هایی هم برای تحقیر زبان فارسی داشته‌اند.

بله برنامه‌هایی برای تحقیر زبان فارسی و حتی زبان‌های بومی مثل ترکی، کردی و لری هم داشتند و حتی توسط حزب توده برنامه‌شان را در ایران اجرا کردند، برای همین کارگران، فرهنگ ایرانی و اسلامی‌مان را تحقیر می‌کردند. یعنی با تحقیر ملت چندفرهنگی (فرهنگ آذری، کردی، لری، عربی و فارسی) ما به تبلیغ زبان انگلیسی می‌پرداختند تا راه برای سلطه کامل‌شان به لحاظ اقتصادی و فرهنگی و انسانی در این کشور باز شود چراکه برای در اختیار داشتن ملت ما آموزش زبان انگلیسی بهترین افسون بود.



نگاهی به ریشه‌های تاریخی ترویج زبان‌های بیگانه در ایران در گفت‌وگوی «جوان» با مصطفی قلیزاده‌علیار

زبان انگلیسی نباید بیش از یک «ابزار» تبلیغ و فرهنگ‌شود

در خصوص شیوه‌های تحقیر زبان فارسی در این دوره می‌توانید به نکاتی اشاره بفرمایید.

البته ما که دوره پیش از انقلاب را ندیده‌ایم چراکه جوان دوره انقلاب هستم اما اساتید تاریخ بسیاری از مسائل افضلاً کرده‌اند که اسنادش موجود است.

در واقع با کم‌ارزش شمردن اشعار شاعرانی که عارف بوده و اشعار دینی و عرفانی می‌گفتند و سعی در ترویج اخلاقی داشته‌اند زبان فارسی را تحقیر کردند. ترانه خواندن بود. همچنین نویسندگانی در کشور پدید آمدند که به نویسندگی به زبان انگلیسی افتخار داشتند. البته فراگیری زبان خوب است، اما مسئله در خدمت غرب بودن از این طریق است. همچنین از جمله پیامدهای فرهنگی غرب پایه‌گذاری مدارس مختلف و رواج ارتباطات آزاد دختران و پسران در لوای مراکز زبان آموزی همچون انجمن فرهنگی تدریس و ترویج می‌شد و به دنبالش غرب‌گرایی در جامعه پدید می‌آمد.

ببینید یکی از اصول گاندی برای رهایی کشورش از استعمار، تحریم زبان انگلیسی و ترویج زبان مادری در هندوستان بود، حتی وی اعتقاد داشته که باید

در مراکز رسمی، زبان انگلیسی رسماً تحریم شده و به جای آن زبان مادری مردم هند آموزش داده شود. این نشان می‌دهد که گاندی تا چه میزان به تأثیر آموزش زبان بیگانه در نابودی فرهنگ کشورش واقف بوده است.

رهبری هم در سخنانی که در جمع معلمان بیان داشتند در این خصوص هشدار دادند.

بله حتی رهبری هم چندی پیش به نقل از جوهره و زبان توسط جامعه کنار گذاشته شود. اما از آنجا که فارسی زبان رسمی ما بود برای کنار گذاشتن این زبان لازم بود با نفوذ میان جوانان و روشنفکران جامعه و ترغیب‌شان به آموختن زبان انگلیسی به کلی فرهنگمان را تغییر دهند. این از خود بیگانگی فرهنگی در میان جامعه تا آنجا پیش رفت که اغلب خانواده‌ها برای آموزش زبان انگلیسی فرزندانشان از سنین پنج، شش سالگی اقدام می‌کردند. البته آموزش زبان خوب است و حتی در قرآن به آموزش زبان سفارش شده اما مشکل بر سر آن هدفی است که در پس آموزش زبان به چنین شیوه و گسترده‌گی نبسته شده است. ما هم اگر بخواهیم به پهناهای هیفتی فرهنگ غرب است که آموزش زبان فارسی بپردازیم درست نیست و اسلام آن وارد می‌کند.

علل رونق زبان انگلیسی در دوران حکامیت پهلوی دوم چه بود؟

انگلیس و امریکا بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ زمانی که فضا را برای نفوذ در جامعه ایران مهیا دیدند به آموزش فرهنگ و زبان خود پرداختند. متأسفانه امروز هم در جمهوری اسلامی نفوذ ایشان برای ترویج فرهنگ غرب دیده می‌شود و در شرایطی که همه علما و بزرگان ما به نفوذ دشمن اشاره داشته‌اند باز هم در مراکز علمی و زبان آموزی از ما کتب مورد استفاده در آموزش غرب استفاده می‌شود که این کتب علاوه بر تأثیر بر زبان با توجه به محتوای متون شان و تصاویری که در آنها به کار رفته، از نظر فرهنگی هم در جوانان و نوجوانان ما تأثیر گذارند. ترویج روابط آزاد زن و مرد از جمله موارد فرهنگی غرب است که از طریق این کتب آموزش داده می‌شد. خود من عکس‌های نامناسی در این رابطه در کتب آموزشی بچه‌هایم مشاهده کرده بودم، کتیبه که توسط جهاد دانشگاهی و از امریکا تهیه شده بود. در واقع غرب از آموزش و ترویج این نوع روابط در کشور ما هدفی دارد. البته چند سال پیش در نماز جمعه به این مسئله اعتراض شد و پیشنهاد دادند برای آموزش، کتب مورد

تاریخ

کفت‌وگو: ۸۸۴۹۴۷۹



فرخ‌حسین کتخمار جوان

قرار بود ما در ایران با استفاده از الفبای انگلیسی، فارسی بنویسیم همانند آنچه امروزه در تاجیکستان رخ داده. هر چند نتوانستند برنامه‌شان را در ایران اجرا کنند، برای همین یک مقدار برنامه‌شان را تغییر دادند و سعی کردند به آموزش زبان انگلیسی بپردازند و آن را به عنوان زبان دوم ترویج دهند که متأسفانه در لایه‌های روشنفکری جامعه موفق به ترویج این زبان شدند

تأخیر فرهنگ خودی در مقابل محترمانه‌ترین کلمات فرنگی تحقیر می‌شود. شما هر کاری کنید هیچ کلمه‌ای نخواهد توانست جای کلمه تلفن را در کشور بگیرد. حتی کلمه همراه که به جای موبایل ابداع شده هم کمتر از سوی جامعه به کار می‌رود، چون کلمه همراه به تنهایی رسا نیست. این مشکل برمی‌گردد به فرهنگستان ما که فله‌ای کلمه تولید می‌کند. من هم می‌توانم در خانه بنشینم و کلمه تولید کنم و معادل فارسی لغات فرنگی را پیدا کنم، اما آنچه باید بدانیم آن است که فرهنگ غیر از لغت است و فرهنگستان غیر از لغتستان است که واژه درست‌کند. متأسفانه فرهنگستان ما واژه می‌سازد در حالی که باید بدانیم فرهنگستان کارش واژه ساختن نیست. در واقع واژه ساختن کار ادیبان است.

در واقع ما هم کمی مقصریم به دلیل اینکه در نامگذاری‌هایمان از نام‌های خارجی استفاده می‌کنیم…

واقعا همینطور است. ما در کشورمان هر لغت بیگانه‌ای را نجوییده می‌بلعیم اما کشورهای اروپایی و حتی عربستان هیچ لغتی را بدون تغییر نمی‌پذیرند. کلمه تلفن که سال‌ها در فرهنگ ما نفوذ کرده از همان ابتدا توسط اعراب «هاتف» نامیده شد.

این پذیرش بی‌چون و چراریشه تاریخی در فرهنگ ما دارد…

در کشور ما متأسفانه بسیاری از مسائل به دلیل فقدان متصدی قوی درست‌اجرامنی‌شود در نتیجه جامعه هم از آن تبعیت نمی‌کند. شما ببینید همین تلگرام و اینستاگرام چه بر سر جوانان می‌آورد. با وجود هشدارهایی که از سوی جامعه‌مشناسان داده می‌شود چون عامل بازدارنده‌ای وجود ندارد در هر گروه سنی در این فضا دیده می‌شود. فضایی که نشر دهنده هر مخرقی علیه دین و ملیت به نفع دشمن است. خوب مطالبی که نمی‌نشر می‌دهند اما موشک‌ها را پوربذیر است و تا کسی بیاید آنان را خصوص در تهران برخی خانواده‌ها نسبت به فراگیری زبان انگلیسی فرزندانشان بسیار علاقه‌مند بودند. همه این موارد می‌رفت که فرهنگ خودی ما را بر باد دهد و امروز اگر هنوز انقلاب پیروز نشده بود شاید ما به زبان فارسی سخن نمی‌گفتیم و گویش‌های ترکی، کردی و لری‌مان هم فراموش شده و به چشم حقارت آمیزی به آنها نگاه می‌کردیم. همچنان که ترویج فرهنگ غرب در گذشته سبب شده بود که به آداب و رسوم و قومیت‌های‌مان به دیده تحقیر آمیزی بنگریم.

چرا با گذشت سال‌ها از پیروزی انقلاب همچنان اولویت اول آموزش زبان در مدارس و آموزشگاه‌ها زبان انگلیسی است؟

وقتی در کشوری وابستگی پدید آمد تا مدت‌ها باقی خواهد می‌ماند. مخصوصاً که برخی روابط با غرب از سوی عده‌ای هنوز ادامه دارد و زبان اقتصاد و تکنولوژی‌مان هم همچنان انگلیسی باقی مانده باشد.

برای مقابله با ترویج زبان و فرهنگ بیگانه در کشور چه اقدامات دیگری می‌توان انجام داد و نقش نهاده‌ها و سازمان‌های مربوطه در این خصوص چیست؟

همانطور که می‌دانید با ورود تلفن، هواپیم، کامپیوتر، موبایل و… به کشورمان، فرهنگ و اصطلاحاتی نیز وارد فرهنگ مان شد. مثلاً با ورود ویدئو و تلویشن سال ۱۳۴۰ به کشور علاوه بر فساد، فرهنگ لغات مخصوص می‌وارد زبان و فرهنگ ما شد. در واقع قبل از انقلاب در کشور برای مقابله با استعمارگران فراهم نبود و زمانی هم که انقلاب پیروز شد باز هم…

فضا برای ورود دیگر دستاوردهای غرب باز بود و تا ما خواستیم برای پالایش آنها اقدام کنیم کار از کار می‌گذشت، در نتیجه برای عقب نماندن از قافله تمدن مجبور به پذیرش و بلعیدن تکنولوژی غرب شدیم که نتیجه‌اش را امروز مشاهده می‌کنید. چون این تکنولوژی فساد را هم همراه خود وارد کشور کرد. در واقع هر صنعت و تکنولوژی‌سا ورودش فرهنگ غنی را وارد کشور می‌کند و اگر فرهنگستان قوی وجود نداشته باشد که پیش از ورود تکنولوژی برای لغات وارداتی نامگذاری کرده رنگ و بوی بومی به آنها بدهد آن نام تحولی ملت بدهد بلکه ابتدا کالایی با ماند و مسئله این است که ما هیچ‌گاه فرهنگستان قوی نداشته‌ایم که با ورود کالا یا تکنولوژی به کشور بلافاصله عکس‌العمل نشان دهد، نام خودی ابداع کند

و سپس با آن نام تحولی ملت بدهد بلکه ابتدا کالایی با نام فرنگی‌اش وارد کشور می‌شود و در میان جامعه جا می‌افتد سپس فرهنگستان برای آن نام معادل فارسی انتخاب می‌کند. مثل کامپیوتر که پس از مدتی رایانه نامیده شد یا هلیکوپتر تا نام چرخ‌پال برایش انتخاب شود. آنقدر زمان گذشت که آن نام فرنگی جزئی از فرهنگمان شد. البته ما مشکلی با این کلمات ابداعی فرهنگستان نداریم. اما مسئله این است که با این برای تحقیر فرهنگ و زبان فارسی در کشور شد.

جوان

البته در این مورد نمی‌توان عبدالرحیم طابوقف را نیز فراموش کرد. هر چند وی فرد باایمانی بود اما تفکر غلطی داشت و تحت تأثیر اندیشه استعمارگران بود. مثل خواجه که انسان‌های مومنی بودند اما شمشیرشان علیه نماز بود. در واقع تفکرات ناسیونالیستی با جنگ‌های خونین از قرن ۱۹ آغاز شد و به عنوان تحفه به شرق آمد. همچنین مسائلی نظیر ترویج زبان بیگانه هم از همین زمان شدت گرفت با ترویج تفکراتی نظیر اینکه شما فارس‌ها از نژاد پارس! منشأ قضیه پان فارسیسیم و پان ترکیسیم و پان عربیسیم از همان‌جا آغاز شد…

در واقع با رواج این تفکرات قصد داشتند همبستگی ملت‌ها را از بین ببرند.

بله و با اشاره به اینکه هر ملتی باید برای خود زبانی داشته باشد، بعد از مدتی گفتند این زبان‌ها ضعیفند و شما برای آنکه پیشرفت کنید باید یک زبان جهانی داشته باشید و آن زبان اصلی و جهانی باید انگلیسی باشد تا بتوانید با جهان که ما باشیم ارتباط داشته باشید. خوب آن تفکر هنوز هم پابرجاست.

حتی سال قبل که امریکا گفت جهان علیه انقلاب اسلامی ایران است، رهبری فرمودند «کدام جهان، کدام مجامع جهانی، شما علیه انقلاب هستید و بقیه علیه شما هستند.» البته چنین تفکراتی در داخل هم وجود دارد که مثلاً می‌گویم فلان شاعر جهانی است و این را افتخار می‌دانند، خوب جهانی یعنی اینکه در غرب او را می‌شناسند. این اندیشه متأسفانه یک مقدار برمی‌گردد به خودمان و غالبت کسانی که تریبون داشته و بر اندیشه جامعه تأثیر گذار بودند. این غفلت سبب شده که این تفکر امروز به فرهنگ و عادت مبدل شود و وقتی عادتی به فرهنگ تبدیل شود نمی‌توان به راحتی از رفتار و تفکر و اعتقادات و لایه‌های نهفته و درونی جامعه آن را زدود.

همانطور که گفتم این فرهنگ که زبان انگلیسی زبان بین‌المللی است هم از نسلی به نسل بعد ما همچون ارث منتقل شده است. خوب چرا زبان فارسی بین‌المللی نباشد؟ ما باید از طریق تریبون‌هایمان مثل مطبوعات و صدا و سیما و نماز جمعه تبلیغ کنیم که زبان انگلیسی یک ابزار است. مثل زبان فارسی که ابزار است و اگر کسی در دنیا بخواهد اندیشمند بزرگی به نام مولانا را بشناسد باید زبان فارسی یاد بگیرد. خیلی جالب است خیلی از غربی‌ها که شگفته مولانا شده‌اند تلاش کرده‌اند زبان فارسی را برای شناخت مولانا آموخته‌اند. همه مولاناشناس و حافظ‌شناسان و سدی‌شناسان غربی و شرقی برای درک شعران بزرگان ما زبان فارسی را آموزش دیده‌اند و منتقل هم همین را حکم می‌کند. ما هم برای استفاده از منابع غرب باید زبان انگلیسی را بیاموزیم آن هم به عنوان ابزار نه اینکه شگفته فرهنگ را بشویم. اندیشمندان غرب هیچ‌گاه نگفتند زبان فارسی زبان بین‌المللی برای فهم عرفان اسلامی است بلکه گفتند ما باید زبان فارسی یاد بگیریم تا آنها را درک کنیم. حتی کسانی در فرانسه بودند که زبان ترکی آذربایجانی را برای فهم حیدرلیا آموختند.

چطور می‌توانیم زبان انگلیسی را ابزار بیندازیم در حالی که سال‌هاست این زبان را با عنوان بین‌المللی شناخته‌ایم؟

البته این تفکر خیلی هوشمندانه در جامعه جا انداخته شده اما این مسئله که آموزش زبان خارجه ابزار نباید میان جامعه تبلیغ و فرهنگ

شود و از کسانی که می‌گویند زبان انگلیسی بین‌المللی است باید سؤال کرد آیا ۸ میلیارد مردم دنیا هم انگلیسی زبان هستند؟ حتی فرسویان هم این زبان را بین‌المللی نمی‌دانند. شاید در همه جای دنیا زبان انگلیسی تدریس شود ولی برای آموزش تکنولوژی و به عنوان ابزار. حتی در خیرها گزارشی از اخراج معلمی در فرانسه منتشر شد که وی در کلاس درس ریشه لفظی لغتی را به انگلیسی نسبت داده بود. در نتیجه به دلیل تضعیف زبان فرانسه اخراج می‌شود. بنابراین می‌بینیم که آنها با آنکه به لحاظ تکنولوژی از ما پیشرفت‌روندن در این نوع مسائل ملی از ما بسیار حساس‌تر هستند.

راه مقابله با تهاجم فرهنگی غرب چیست؟

ما باید آثار این‌مان را به زبان‌های دیگر ترجمه‌های خوب و حرفه‌ای کنیم تا بتوانیم با نفوذ فرهنگ و ادبیات آنها در کشور مقابله کنیم. چه عیب دارد ما بگوییم فرهنگ ایرانی فرهنگ جهانی است؟ ما همیشه در مقابل یورش آن‌ها در هر زمینه‌ای فقط دفاع کرده‌ایم. پس بهتر است یک مقدار تهاجمی در دنیا عمل کنیم. در واقع حقیقت این است آنهایی که تهاجمی عمل می‌کنند موفق‌ترند. در قرآن هم این نکته آمده که در مقابل دشمن آماده شوید و با هر چه در توان دارید چغ‌لفت و چه اسلحه و چه رسانه و حتی کالادشمنان خودو خدا را بترسانید. همین ترساندن خودش حمله است. منتها امروز حملات ترافزاری و تفکری است در نتیجه آنچنان باید هشیار باشیم که نخواهیم در آینده در مقام دفاع برپایییم. باید آنقدر فرهنگمان را بزرگ و زیبا نشان بدیم که دشمن خلع سلاح شده و زبانه نهد و حتی اگر تحت تأثیر قرار نگرفت فکر حمله به ما نداشته باشد. برای دفاع از فرهنگ خودی باید ما عمل تهاجم فرهنگی نسبت به دشمن داشته باشیم.